

”

فره علم و فناوری (نگاه بازگیرانه) محلی است و با سکنی گزیدن در آب و خاک و چشیدن مسائل محلی با تجربه‌ی جان دانشمندان و اهالی فناوری، امکان تاریخ داشتن علم و فناوری محیا می‌شود

دانشمندان بزرگ تاریخ علم مدرن، تعهدی اخلاقی را در راه گشودن افق‌های تازه در علم تجربه کرده‌اند. این اخلاق به معنی دستورالعمل‌ها یا اخلاق فضیلت‌مدار ارسطویی نیست بلکه از جنس تعهد به برعهده گرفتن یک مأموریت و سعی در ادای آن است. گویی دانشمند با مسأله‌ای مواجه می‌شود و آن مسأله را مسأله خود می‌یابد و آتشی درون قلبش حس می‌کند که تا حل شدن یا ساختن آن مسأله خاموش نمی‌شود.

در این اخلاق آدمی خود را ناچیز نمی‌داند بلکه توانایی احساس می‌کند و قدر و عظمت خود را در این توانایی و ادای وظیفه می‌یابد[۳].

دانشمند عضوی از یک مرکز علمی است، اما منحل در آن مرکز و مطیع فرمان‌های اداری آن نیست، بلکه نماینده آن است. دانشمند بیرون از زمان و مکان نیست و آنچه در استعدادهای اکنون می‌یابد را متحقق می‌کند و از این حیث به هنرمند و فیلسوف و سیاست‌مدار شبیه می‌شود و به زمان و تاریخ کشورش تعلق پیدا می‌کند[۴]. در انتها باید از شهید دکتر علیمحمدی یاد کنیم که مصداق دانشمندی در تاریخ ما هستند.

زندگی شهید علیمحمدی به ما می‌آموزد که ایشان صرفاً

زمینه برای این مسأله بیش از گذشته فراهم شود.

امروزه و با بیشتر شدن دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی، بسیاری از متفکرین علم و فناوری میان مقام دانشمندی، مقام پژوهشگری و البته کارمندان علمی تفاوت و تمایز قائل می‌شوند.

ما باید به ریشه‌های این تمایز بیشتر فکر کنیم و تلاش کنیم تا معیارهای سیاست‌گذاری خود را از تشویق به کارمندی علمی و بیشتر شدن عددی تعداد مقالات و نمایه‌ها، به تربیت دانشمندانی ماندگار در ایران و جهان تغییر دهیم. دانشمند، بی‌وطن نیست و با سکنی گزیدن در بوم خود، راهی به مرزهای دانش پیدا می‌کند.

